



کتابچه راهنمای حقوقی برای نوجوانان بازداشتی و خانواده های آنها

کتابچه ویژه وکلا، قضات، فعالان مدنی،
و کلینیکهای حقوق کودک



کلینیک حقوقی و اجتماعی
LEGAL & SOCIAL CLINIC

فهرست

1	مقدمه
3	مفهوم کودک و نوجوان
4	ضرورت رعایت آیین دادرسی ویژه برای نوجوانان محروم از آزادی
5	تشکیل پرونده رسیدگی به اتهامات نخست در دادسرا
5	بازجویی کودکان و نوجوانان
6	احضار
7	حق نگهداری در کانون اصلاح و تربیت
8	ممنوعیت خروج از کشور
9	قرارهای بازپرس
11	ضرورت تشکیل پرونده شخصیت
11	حق انتخاب وکیل
13	دادگاههای کیفری
15	وجه تخفیف دهنده مجازات در دادرسی اطفال
14	ضرورت حضور مشاوران آموزش دیده در دادرسی اطفال
14	منع قانونی صدور حکم حبس کودکان و نوجوانان
15	مفهوم آخرین دفاع
16	صدور حکم تعلیقی برای نوجوانان
17	محرومیت از تحصیل
18	شکنجه های روانی
19	رهنمودهایی برای اقدام در زمان رای بر محکومیت نوجوانان
20	شیوه دفاع در اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام
21	جرم بغی (شورش علیه محکومیت)
22	تفاوت جرم بغی با محاربه
20	پایان



در شهریور ماه ۱۴۰۱ قتل مهسا (ژینا) امینی ، بغض فرو خورده ده‌ها ساله مردم ایران را شکست و آنها را با رویای عدالت، آزادی و دموکراسی راهی خیابانها کرد. نوجوانان این سرزمین که همچون دیگران بار تبعیض ها و محرومیت ها را بر دوش داشتند، به مثابه یک بازوی قدرتمند جنبش انقلابی مردم ایران، پای به این راه نهادند.

اما نیروهای رژیم سرکوبی سخت، سازمان یافته و بی رحمانه بر علیه ایشان آغاز کرد و چه بسا بیش از بزرگسالان، آنان را آماج ضرب و شتم، تعرض، شکنجه و قتل قرار داده و بدون ملاحظه هیچ یک از موازین قانونی، آنها را به خاک و خون کشیده است. استمرار زنده و پویای جنبش و اصرار نوجوانان به حضور فعالانه در آن، سبب شد با انتشار این کتابچه تلاش کنیم که آنان در این راه سخت، به حقوق خود که در مقررات، قوانین و اسناد بین المللی و داخلی بر آن تاکید شده، آگاه شوند. آن را همچون یک ابزار مبارزه خشونت پرهیز، در مواجهه با سرکوب رژیم همراه داشته باشند و از آن برای محافظت از جسم و جانشان بهره گیرند.

این مجموعه به گونه‌ای نگارش یافته که والدین، مسئولین مدارس و آموزشگاه ها، کنشگران مدنی، فعالان اجتماعی و کلینیک های حقوق کودک در هنگام بازداشت نوجوانان، به آن رجوع کنند. همچنین وکلا و قضات درگیر با پرونده های نوجوانان ،در راستای اجرای عدالت، می توانند برای یادآوری مقررات نادیده گرفته شده و نکات ضروری فراموش شده در دادرسی اطفال و نوجوانان، به این کتابچه مراجعه نمایند.





قوانین و حقوق داخلی و بین المللی که در آنها به نوجوانان محروم از آزادی اشاره شده عبارتند از:

- **کنوانسیون حقوق کودک**
- **پیمان نامه حقوق کودک** که به موجب مصوبه مجلس شورای اسلامی در ایران در اول اسفند ماه ۱۳۷۱ حکم قانون را یافته و در محاکم قابل استناد است، در مواد ۴۰ و ۴۱ به حقوق کودکان متهم به نقض قوانین کیفری میپردازد.
- **قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل** در باب دادرسی نوجوانان موسوم به «قواعد پکن» مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵.
- **قواعد سازمان ملل متحد** در حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ (قطعنامه ۴۵/۱۳۳)
- **ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲**
- **قانون حمایت از اطفال ونوجوانان مصوب ۱۳۹۹**
- **مواد ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۴ و ۹۵ قانون مجازات اسلامی**
- **مواد ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۰۴، ۳۱۵ و ۵۲۵ آیین دادرسی کیفری.**

یک: مفهوم کودک و نوجوان

در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، همه افرادی که کمتر از هجده سال سن دارند «کودک» نامیده می شوند مگر اینکه قوانین داخلی ملاک دیگری برای تشخیص آن در نظر گرفته باشند. قواعد سازمان ملل متحد درباره نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰)، راهبرد سازمان ملل برای پیشگیری از خلاف نوجوانان (قواعد ریاض) و قواعد ناظر بر حداقل معیارهای نحوه دادرسی نوجوانان (قواعد پکن) بر اطلاق "کودک" به افراد کمتر از هجده سال تأکید دارند.

در ایران علیرغم تعارضات موجود در قوانین و مبانی فقهی و شرعی درباره سن کودک، می توان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ را فصل الخطاب قرار داد که «کودک» را به افرادی اطلاق میکند که به بلوغ شرعی نرسیده اند. این قانون همه افراد زیر هجده سال را که به بلوغ شرعی رسیده اند «نوجوان و واجد حمایت های حقوق کودکان» می نامد. علاوه بر آن، در این قانون همه نوجوانان تا ۱۸ سال که معارض قوانین کیفری شناخته شوند و به دلیل بازداشت شوند را کودک و نوجوان در حالت خطر فرض کرده است.





دو: ضرورت رعایت آیین دادرسی ویژه برای نوجوانان محروم از آزادی

همه مراحل دادرسی نوجوانان اعم از مراحل کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی الزاما باید با لحاظ سن آنان در مراجع اختصاصی صورت گیرد. ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، از داسرا و دادگاه ویژه اطفال سخن به میان آورده است. براین اساس دادگاههای انقلاب، صلاحیت رسیدگی به هیچ یک از اتهامات افراد کمتر از هجده سال را ندارند و این امر تنها در داسراها و دادگاههای ویژه اطفال قابل رسیدگی است.

در این باره می توان با توجه به وحدت ملاک، به رای وحدت رویه ۶۸۷ به تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲ اشاره کرد که در تعارض بین دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال، به صلاحیت دادگاه اطفال حکم داده است. بنابراین چنانچه هنگام دستگیری کودکان و نوجوانان به علت ارتکاب جرائم موسوم به امنیتی یا همان جرایم سیاسی، آنها را در داسراها های ویژه امنیت تحت بازجویی قرار دهند، **باید بلافاصله به این امر اعتراض شود و حق محاکمه در داسراهای عمومی و دادگاه های کیفری ویژه اطفال و نوجوانان رهنمود داده شود.** همچنین به این نکته توجه داشته باشید که تحقیقات مقدماتی راجع به همه جرایم افراد کمتر از ۱۵ سال، مستقیماً در دادگاه های کیفری ویژه اطفال و نوجوانان انجام می شود و این افراد نباید وارد داسراها شوند. بنابراین، آنچه بطور مثال شعبه اول دادگاه انقلاب کرج در پرونده رسیدگی به اتهامات بازداشت شدگان مراسم چهلم شادروان حدیث نجفی انجام داد و سه نوجوان کمتر از ۱۸ سال را همراه با بقیه در گروهی ۱۶ نفره محاکمه و درباره آنها حکم صادر کرد از نظر حقوقی صحیح نیست. دادگاه انقلاب با ابلاغ ویژه نمی تواند جایگاه دادگاه ویژه اطفال را بگیرد. در صورتی که نوجوانی در گروهی بزرگسالان حضور دارد، پرونده باید مستقل و مجزا شود یا اینکه به اتهامات همگی در دادگاه کیفری ویژه اطفال رسیدگی گردد.

سه: تشکیل پرونده رسیدگی به اتهامات نخست در دادسرا

دادسراها اولین حلقه از تشکیلات قضایی اند که وظیفه تعقیب متهمان و تحقیق درباره اتهامات آنها را برعهده دارند. صلاحیت این نهاد قضایی منحصر به انجام تحقیقات مقدماتی برای حفظ آثار، علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم (ماده ۹۰ آیین دادرسی کیفری) است.

در دادسرا تحقیقات مقدماتی باید بصورت محرمانه و توسط بازپرس انجام شود. بازپرس حکم بر مجازات متهم صادر نمی کند و صرفاً باید تحقیقات لازم را بی طرفانه انجام دهد. در صورتی که دلایل و مستندات کافی برای احراز مجرمیت هر متهمی به دست آورد، با صدور قرار مجرمیت، پرونده را برای رسیدگی به دادگاههای کیفری می فرستد.

کودکان و نوجوانان توجه داشته باشند هرگاه در خیابان و تحت عنوان جرم مشهود، دستگیر شوند، ضابطان قضایی و نیروهای امنیتی وزارت اطلاعات یا اطلاعات سپاه حق انجام تحقیقات مقدماتی درباره آنها را ندارند. کودکان و نوجوانان باید در دادسرا یا دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان به وسیله قاضی ویژه و کادرهای متخصص و آموزش دیده در محیطی سالم و آرام با حضور روان شناس یا مددکار و والدین یا وکیل مورد تحقیق قرار بگیرند.

چهار: بازجویی کودکان و نوجوانان

به کار بردن واژه «بازجویی» برای کودکان و نوجوانان صحیح نیست. هر عبارت و واژگانی که موجب ایجاد ترس و وحشت برای آنها گردد، مناسب نیست و مغایر اصل حقوق کودک است. به خاطر داشته باشید که والدین کودک حق دارند هنگام تحقیق در دادسرا یا رسیدگی در دادگاه، در کنار فرزندشان باشند و محرومیت آنها از این حق، تخلف از مقررات قانونی است.

براساس ماده پانزدهم «سند پکن» و ماده ۴۹ کنوانسیون حقوق کودک، هنگام انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان حضور والدین، سرپرستان قانونی و وکیل آنها ضروری است.

پنج: احضار

احضار بدون توجه به اتهام و وجود دلایل لازم مبتنی بر انجام عملی خلاف قانون یا ارتباط شخص با عمل مورد ادعا، خلاف قانون است. بر اساس اصل آزادی شهروندان و اصل برائت، بدون نظر قاضی صلاحیت دار و بدون دلایل لازم مبنی بر نقض قانون کیفری هیچکس نباید تحت احضار، تحقیق و تعقیب قرارگیرد. بنابراین، احضار مقدمه نقض اصل برائت محسوب می شود.

در ساختار قضایی سالم هر رفتاری خلاف این اصل موجب ایجاد مسئولیت و حق دریافت خسارت برای شهروندان مورد احضار غیرقانونی می شود. اگر چه انتظار نمی رود در نظام قضایی جمهوری اسلامی این اصل به درستی رعایت شود، اما همین که در ساختار قانونی این اصل وجود دارد و پیش بینی شده است، برای شهروندان حق مصونیت از احضار و تعقیب غیرقانونی ایجاد می شود. بنابراین، آگاهی به این حق ضروری است.

دستور احضار متهم باید فقط از سوی دادیار، بازپرس و قاضی صادر شود. قانوناً هیچکس حق ندارد خودسرانه، بدون دستور قضایی، شخصی را احضار کند. احضار از طریق اوراق چاپی به وسیله مأموران دولتی، در محل اقامت متهم یا با درج در سامانه ثنا صورت می گیرد.

در احضاریه موارد زیر باید درج شود و احضاریه بدون ذکر آنها غیر قانونی است.

- 1- نام و مشخصات دقیق متهم
- 2- علت احضار
- 3- محل حضور
- 4- نتیجه عدم حضور
- 5- تاریخ احضار
- 6- حق به همراه داشتن وکیل

مأموران وزارت اطلاعات یا اطلاعات سپاه بدون دستور قضات دادسرا، حق احضار کسی را ندارند. احضار تلفنی غیر قانونی و فاقد اثر حقوقی است. مکان احضار متهم دادسرا است، نه کلانتری یا مرجع اطلاعاتی. بنابراین، احضارهای تلفنی که این روزها صورت می گیرد، خلاف قانون و قابل پیگرد انتظامی است. وقت رسیدگی، دادنامه یا سایر اوراق دادگاه ها اعم از مرحله دادسرا یا دادگاه، باید به والدین و وکیل کودکان و نوجوانان ابلاغ شود.

شش: حق نگهداری در کانون اصلاح و تربیت

حبس کودکان و نوجوانان در بازداشتگاههای بزرگسالان مخاطرات جدی برای زیست روانی آنها در بر دارد و نگهداری آنها در مراکز ویژه که متناسب با سن و وضعیت روحی آنان است، در زمره حقوق شهروندی آنان به حساب می آید. رعایت این حق وظیفه قوه قضائیه و ضابطین قضایی است. در این خصوص تفاوت نمی کند نوجوان بازداشت شده دختر یا پسر باشد، به هیچ وجه امکان انتقال دختران و پسران نوجوان به بازداشتگاهها، زندان و یا مراکز نگهداری دیگر وجود ندارد. صرفاً در کانون های اصلاح و تربیت باید محل نگهداری آنها در صورت الزام قانونی به بازداشت آنها با رعایت همه شرایط وجود داشته باشد.

ماده ۱۳ سند موسوم به «قواعد پکن»، بازداشت احتیاطی نوجوانان را آخرین راه حل ممکن می داند که باید در کوتاهترین زمان صورت پذیرد.

براین اساس، حبس نوجوانان باید الزاماً در فضاهای جداگانه اجرا شود. بازداشت کودکان و نوجوانان معترض در بازداشتگاههای نیروی انتظامی، بسیج، سپاه و زندان، تخلف از الزامات ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز هست که حبس نوجوانان را تنها در کانونهای اصلاح و تربیت ممکن دانسته است.

نکات احتیاطی

- ۱- فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد.
- ۲- در صورت احضار، نوجوانان هرگز روزهای آخر هفته مراجعه نکنند زیرا خطر بازداشتشان وجود دارد. اول هفته در ساعت های نخست اداری مراجعه کنند که زمان کافی برای تأمین وثیقه یا معرفی کفیل وجود داشته باشد.
- ۳- هنگام مراجعه، نوجوانان شخص دیگری که بتواند برای معرفی کفیل یا تودیع وثیقه کمک کند، همراه خود ببرند و هرگز به تنهایی حاضر نشوند.
- ۴- نوجوانان برگه هایی که جلوی آنها گذاشته می شود را قبل از امضا دقیق بخوانند زیرا ممکن است از آنها امضا بگیرند که کفیل یا وثیقه ندارند و آنها ندانسته امضا کنند و بازپرس آنها را به زندان بفرستد.
۵. صدور قرار نگهداری موقت در کانون اصلاح و تربیت یا قرار بازداشت برای نوجوان قابل اعتراض است و باید در کنار امضا نوشته شود «اعتراض دارم».
- ۶- والدین نیز توجه داشته باشند، به سبب نوجوانی و زیر ۱۸ سال بودن فرزند، آنها نیز حق اعتراض به روند تعقیب و بازداشت و سایر قرارها را دارند.



هفت: ممنوعیت خروج از کشور

بر اساس ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً در مواقعی که ضرورت داشته باشد و به اطلاع متهم رسیده باشد، تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشود، بازپرس می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی، صدور قرار موقوفی، ترک یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوطه اطلاع داده می‌شود.

در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند. اگر نوجوانان به هر طریقی نزد بازپرس حاضر شوند، قرار ممنوع الخروجی باید لغو شود. چنانچه بازپرس نظر بر تداوم این امر دارد، باید دوباره قرار صادر کند. نوجوانان می‌توانند به قرار ممنوع الخروجی بازپرس اعتراض کنند.

بر اساس ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً در مواقعی که ضرورت داشته باشد و به اطلاع متهم رسیده باشد، تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشود، بازپرس می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند.



هشت: قراردادهای بازپرس

مقررات داخلی و بین المللی، قضات را از صدور قرار بازداشت موقت نوجوانان منع کرده و آن را آخرین اقدام در صورت ضرورت می دانند. ماده ۲۸۷ آیین دادرسی کیفری، اولین اقدام مقام قضایی در برابر متهمین کودک یا نوجوان را «سپردن» او به والدین یا سرپرستان قانونی به حساب آورده و اعلام می کند اخذ کفیل یا تودیع وثیقه صرفاً برای کودکانی که بیش از پانزده سال سن دارند مجاز است. براساس این ماده، در صورت عجز متهم و والدین او از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، دادگاه قرار نگهداری موقت او را در کانون اصلاح و تربیت صادر می کند. این قرار از لحاظ ماهیت، با قرار بازداشت موقت متفاوت است و اعمال آن منوط به نظر قاضی است.

قرار کفالت یا همان قراری که مردم به عنوان ضمانت می شناسند، بدین معناست که شخصی که تمکن مالی او به میزان و مبلغ مندرج در قرار یا همان وجه الكفاله برای بازپرس احراز شود، می تواند کفالت یا ضمانت متهم را عهده دار شود، یعنی نزد دادسرا متعهد شود که اگر بازپرس متهم را احضار کند و او حاضر نشود، وجه الكفاله تعیین شده به نفع دولت ضبط شود. معمولاً کفالت (ضمانت) کسانی پذیرفته میشود که کارمند رسمی دولت یا کاسب با جواز کسب معتبر باشند یا به نحو دیگری تمکن مالی آنان اثبات شود. پس از صدور قرار کفالت، کفیل (ضامن) باید در دادسرا حاضر و اعلام کند که برای قبول کفالت حاضر است.

قرار وثیقه، که از قرار کفالت سنگین تر است، بدین معناست که بازپرس مبلغی را تعیین می کند که متهم با سپردن آن به صندوق دادگستری، بتواند تا پایان فرایند دادرسی آزاد باشد. متهم می تواند بجای سپردن وجه نقد، ضمانت نامه بانکی یا سند ملکی را به عنوان وثیقه، معرفی کند. بازپرس پس از مراجعه وثیقه گذار، در صورت صدور قرار قبولی وثیقه، به وثیقه گذار ابلاغ می کند در صورتی که متهم را در وقت مقرر که بازپرس تعیین می کند در آن مرجع حاضر نکند، وثیقه به نفع دولت ضبط می شود.

قرار بازداشت موقت که سنگین ترین قرار دادسرا است تنها در صورتی برای نوجوانان قابل اجراست که کفیل یا وثیقه گذار وجود نداشته باشد و در جرایم مهم امنیتی (در حد جرایم محاربه و افساد فی الارض) مدت آن، نباید بیش از دو ماه باشد. اگر در مدت دو ماه پرونده به رأی نهایی منتهی نشود، بازپرس باید قرار را فک کند وگرنه با ذکر دلیل، ادامه بازداشت را به متهم ابلاغ کند. این قرار ظرف ده روز قابل اعتراض از سوی متهم است.





۱- اگر فرزندان بازداشت شده است، به دادسرای انقلاب محل اقامتتان مراجعه کنید و سعی کنید با ارائه شماره ملی او به قسمت کامپیوتر، از وضعیت او مطلع شوید. اگر پرونده او ثبت شده است، به شعبه بازپرسی مراجعه و اعلام کنید که حاضرید برای آزادی او کفیل معرفی کنید یا وثیقه بگذارید.

۲- زود کوتاه نیایید. هر چه بازپرس، دادستان، دادیار یا مأمورین می گویند لزوماً حکم قانون ندارد و حتی در فرض قانونی بودن، درباره نوجوانان قابل انعطاف هستند.

۳- پافشاری کنید. ایستادگی برای رعایت قانون و توجه به شرایط نوجوانی بسیار موثر در رهایی فرزندان شماست.

۴- خطرات و آسیب های احتمالی که به لحاظ بیماری یا وضعیت خاص فرد دستگیر شده ممکن است ایجاد شود، را تذکر شفاهی و کتبی دهید و بگویید که نسبت به آن مسئولیت دارند و باید پاسخگو باشند.

کسی که بازداشت می شود تا پایان رسیدگی دادسرا باید تحت نظر باشد و بازپرس می تواند تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی، او را با گرفتن تعهد (التزام)، کفیل (ضامن) یا وثیقه آزاد کند. اگر قرار وثیقه صادر شود، باید معادل مبلغی که در قرار نوشته شده، وجه نقد، یا ضمانت نامه بانکی سپرده شود. در غیر این صورت، ملکی که ارزش آن حداقل مساوی مبلغ وثیقه است باید معرفی شود. صاحب ملک باید شخصاً به دادسرا مراجعه کند و کتباً اعلام کند که آماده است ملک خود را به وثیقه بگذارد. این مورد باید کتباً نوشته شود و حتماً دقت شود که این نامه در سیستم شعبه ثبت شود. در صورت عدم قبول وثیقه، بازپرس باید دلیل آن را در پرونده درج کند.

پس از قبول وثیقه، باید به کارشناسی که دفتر بازپرسی معرفی می کند مراجعه شود. پس از ارزیابی، بازپرس دستور بازداشت ملک را به اداره ثبت محل می دهد. در این صورت، باید از اداره ثبت گواهی بازداشت گرفته و به بازپرس ارائه شود. در این زمان شخص بازداشت شده باید فوراً آزاد شود. اگر ملکی که برای وثیقه معرفی می شود در حوزه قضایی شهر دیگری قرار دارد، بازپرس به دادگاه انقلاب همان شهر نیابت می دهد که امور مربوط به کارشناسی و توقیف را انجام دهد. وثیقه گذار هر وقت بخواهد، با معرفی زندانی به بازپرسی می تواند تقاضای رفع بازداشت از ملک خود را کند. بازپرس در صورت عدم حضور متهم در وقت مقرر می تواند با مزایده ملک به میزان وثیقه، از وجه حاصل شده به صندوق دولت واریز کند و این مانع از بازداشت بعدی متهم نیست.



نه: ضرورت تشکیل پرونده شخصیت

ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بازپرس را مکلف به ارجاع پرونده متهم به مددکاران اجتماعی جهت تشکیل پرونده شخصیت کرده است. در مواد یک تا شانزده مجموعه «حداقل قواعد سازمان ملل متحد» برای اطفال و نوجوانان نیز بر این موضوع تأکید شده است. تشکیل پرونده شخصیت از جمله حقوق بنیادین نوجوانان در مراحل مختلف دادرسی است که باعث واکنش صحیح دادسرا، دادگاه و مرجع اجرای حکم نسبت به نوجوان می شود. وکلای دادگستری و قضات باید به الزام ماده ۲۰۳ در جهت حفظ حقوق نوجوانان در این باره توجه کنند.

توجه داشته باشید که بدون تشکیل پرونده شخصیت، امکان ادامه رسیدگی و حتی صدور هر نوع قرار یا تصمیم قضایی ممنوع می باشد. پرونده شخصیت نباید بصورت فرمالیته در یک فرم با چند سوال به وسیله مأموران تکمیل شود. این پرونده باید بوسیله روانشناس مطلع از امور کودکان یا مددکار ویژه تکمیل شود و سوابق آسیب های روانی احتمالی و هر امری که ممکن است در قرار دادن نوجوان در وضعیت کنونی تأثیر داشته بررسی گردد. این پرونده باید میزان درک یا عدم درک نوجوان از شرایط موجود را مشخص نماید. اگر اتهام در حد محاربه یا افساد فی الارض باشد رعایت شرایط ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی نیز الزامی است. بدین معنی که نوجوان باید از نظر میزان رشد و درک اجتماعی و شناخت ماهیت دقیق عمل، مورد معاینه کمیسیون ماده ۹۱ در پزشکی قانونی قرار گیرد



ده: حق انتخاب وکیل

پیمان نامه حقوق کودک در بند ۲ قسمت ب ماده ۴۰، در مورد حقوق کودک در مظان اتهام مبنی بر برخورداری از مساعدت حقوقی برای تهیه لوائح دفاعی است. مقررات پکن نیز به حقوق کودک و نوجوان در بهره مندی از خدمات مشاوره حقوقی رایگان اشاره دارد. یکی از تضمین های اساسی برای تحقق دفاع متهمین و اعمال اصل برابری بین طرفین دعاوی، بهره مندی متهم از وکیل مدافع در همه مراحل دادرسی است - اصل ۳۵ قانون اساسی اعلام می دارد «در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

در اعتراضات اخیر نوجوانان بازداشت شده، مانند دیگران بخاطر اجرای تبصره ی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که اعلام داشته در جرایم امنیتی فقط وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه قادر به دفاع از متهمین هستند، از حق انتخاب وکیل محروم شدند و یا مجبور به انعقاد قرارداد با وکلای معتمد دستگاه قضایی گردیدند.

به خاطر داشته باشید تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که متهم را ملزم به انتخاب وکیل از میان وکلای معتمد قوه قضاییه می کند، شامل دادگاههای اطفال نمی شود . حق کودکان و نوجوانان و والدین آنها بر انتخاب آزادانه وکیل، باید محفوظ بماند. همچنین، این محدودیت در انتخاب وکیل بر فرض که برای نوجوانان هم اعمال شود، فقط مربوط به مرحله دادرسی است. ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری بر لزوم تعیین وکیل تسخیری برای کودکانی که امکان انتخاب وکیل ندارند ، تأکید کرده و در جرائم کم اهمیت، اجازه داده شده که والدین کودک حاضر و از او دفاع کنند.

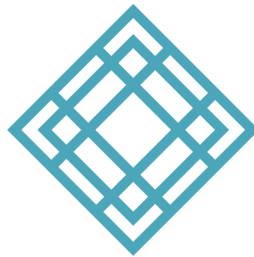
وکیل در پرونده کودکان و نوجوانان باید آشنا به حقوق کودکان و نوجوانان و علاوه بر نقش سنتی و قانونی، باید حمایت گر و دلسوز باشد. بخصوص وکلای تسخیری که از متهمین فرودست به حکم وظیفه دفاع می کنند، باید در دفاع از موکل اهتمام بیشتری بخرج دهند و این کار را به مثابه نوعی کنشگری اجتماعی، به تکلیف حرفه ای خود ضمیمه نمایند. وکیل باید به پرونده شخصیت بصورت ویژه درباره نوجوانان اطلاعات دقیق داشته باشد، اجازه دخالت نیروهای امنیتی در پرونده های نوجوانان را ندهد و در صورت عدم رعایت قانون، مراتب را به مقامات قضایی بالاتر اعلام نماید. همچنین، کانون های وکلا باید ساز و کاری فراهم نمایند که وضعیت دفاع وکلای تسخیری در پرونده های سیاسی بخصوص نوجوانان، مورد بررسی قرار گیرد و اجازه ندهند ملاحظات امنیتی باعث قصور در وکالت و عدم مراعات وظیفه ذاتی وکیل در دفاع شجاعانه از موکل شود.

اگر روند پرونده به صدور کیفرخواست منتهی شود و پرونده به محاکم کیفری ارجاع گردد، در این مرحله متهم می تواند با هر وکیلی که بخواهد قرارداد وکالت منعقد کند و قطعاً بسیاری از همکاران شریف ما حاضر خواهند شد به رایگان پرونده متهمین اعتراضات اخیر را بپذیرند.



یازده: دادگاههای کیفری

وقتی کیفرخواست صادر می شود، متهم وارد مرحله دوم فرایند دادرسی یعنی دادگاه های کیفری می شود. دادگاههای کیفری پس از تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن، به پرونده رسیدگی می کنند و اگر بر اساس اظهارات متهم در دادگاه و ادله موجود در پرونده، نظر بر بی گناهی داشته باشند، رأی بر برائت صادر می کنند. در غیر این صورت، میزان مجازات را تعیین می کنند. رأی دادگاههای کیفری قابل اعتراض در دادگاههای تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور است.



دوازده: وجوه تخفیف دهنده مجازات در دادرسی اطفال

با توجه به اطلاق ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می تواند در تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند و تفاوتی بین جرایمی که ممکن است نوجوانان مرتکب شوند وجود ندارد. بنابراین، وکیل، والدین یا نوجوانان می توانند اجرا و اعمال این ماده را از دادگاه با پافشاری بخواهند.



سبزه: ضرورت حضور مشاوران آموزش دیده در دادرسی اطفال

در دادگاههای اطفال همواره باید یک مشاور حضور داشته باشد. در صورتی که قانون در این مورد رعایت نشود، میتوان کتباً به آن اعتراض کرد.

ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری:

«مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

تبصره ۱- برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضائی هر محل، برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان، حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره ۲ - در صورت مونث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.»

اگر نوجوانان در طول رسیدگی در هر مرحله ای متوجه اظهارات و حرفهای مقامات نمی‌شوند یا فضای دادرسی یا دادگاه برای آنها آزار دهنده است، باید درخواست نمایند که مشاور متخصص روانشناسی یا مددکاری با آنها صحبت کند و به آنها کمک نماید تا در شرایط استرس زای شدید، آرامش یابند. نوجوانان حق سکوت را فراموش نکنند. اگر قادر به پاسخگویی نیستند، مجبور به گفتن چیزی نیستند و فقط سکوت کنند. اگر داد یا فریاد بلند شد، به سکوت خود ادامه دهند. در همه مراحل حق سکوت دارند.



چهارده: منع قانونی صدور حکم حبس کودکان و نوجوانان

دادگاه اطفال بنا بر الزامات حقوق بین الملل ، باید از صدور حکم حبس و مجازات های بدنی علیه نوجوانان امتناع ورزد و بیشتر به تعیین مجازات های جایگزین حبس از قبیل انجام کار، خدمات رایگان، حبس خانگی یا فراگیری حرفه های معین پردازد.

پانزده: مفهوم آخرین دفاع

پس از آنکه در دادسرا تحقیقات مقدماتی انجام شود، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع می کند. آخرین دفاع، چکیده و اساس مدافعات شخص در مرحله دادسرا است و در آن باید همه دلایلی که برائت از اتهام انتسابی را ممکن می سازد، ارائه شود. بخاطر داشته باشید که آخرین دفاع باید از سوی بازپرس یا دادستان اخذ شود. ضابط قضایی، صلاحیت اخذ آخرین دفاع را ندارد. همچنین آخرین دفاع نباید با آنچه قبلاً در دفاع از خود گفته شده، تناقض داشته باشد. به طور مثال وقتی پرسیده می شود «آخرین دفاع شما چیست؟» بهتر است گفته شود «همانطور که همواره اتهام یا اتهامات را انکار کرده ام، بنده بی گناهم، دلایلی علیه بنده در این پرونده که اثبات کننده اتهام باشد وجود ندارد.» اگر نوجوان اتهامی را با شکنجه، ترس یا تهدید قبول کرده است، باید بگوید «اظهارات قبلی نزد مأموران در اثر شکنجه، تهدید و ترس بوده است. هیچ خطایی مرتکب نشده ام و بی گناه هستم.»

همیشه مهمترین دفاع این است که بر بی گناهی خود اصرار و دلایل علیه خود را زیر سوال برد و بر اصالت، درستی و یا اعتبار آنها ایراد وارد نمود. اگر در هر بخش سخنان حقوقی مبهم و نامفهوم است، نوجوانان باید بگویند متوجه نمی شوند و تقاضا کنند از والدین یا وکیل مورد اعتماد که در کنار آنها باشند. بدیهی است فضای دادسراها و دادگاههای جمهوری اسلامی چنین نیست اما این موارد حق نوجوانان است. باید مطرح و اصرار نمایند تا هم خود را نجات دهند و هم دیگران یاد بگیرند. زود کوتاه آمدن باعث خلاص شدن موقت می شود اما موجب محکومیتی خواهد شد که حق آنها نیست و تبعات زیادی در آینده برای آنها خواهد داشت.

اگر در دادسرا شخص مجرم شناخته شود و پرونده به دادگاههای کیفری ارجاع شود، قاضی در خاتمه رسیدگی یک بار دیگر اتهام را به روشنی قرائت نموده و آخرین دفاع را اخذ خواهد نمود. در آخرین دفاع باید هر دلیل و مستند قانونی دال بر این که عناصر مادی، قانونی یا روانی جرم محقق نشده یا دلایل موجهه مثل دفاع مشروع یا دلایل مخففه موجود است ارائه شود. به عنوان مثال، نوجوان باید بگوید که اقرار با شکنجه بدست آمده و غیر واقعی است. اگر نوجوان ارتکاب جرم را قبول کرده و احتمالاً کسی را مورد ضرب و شتم قرار داده است، باید بگوید دفاع مشروع بوده است.



شانزده: صدور حکم تعلیقی برای نوجوانان

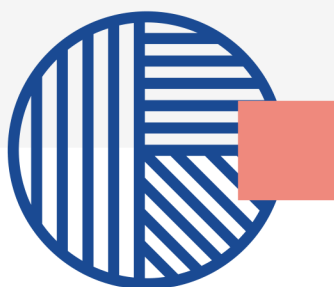
حکم تعلیقی معمولاً برای کنترل نوجوان است و چون مدت دارد تا حداکثر پنج سال همراه او است. بدین معنی که در صورت تکرار و بازداشت مجدد، امکان اجرای و لغو تعلیق به وجود خواهد آمد. پس درباره آن باید دقیق بود و همه جوانب و عواقب آن را بررسی کرد. اگر در دادگاه بدوی حکم تعلیقی صادر شود، در حالتی که دلایل روشن و محکم بر علیه نوجوان وجود داشته باشد، نباید به حکم اعتراض شود و تنها باید تقاضای اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و تقاضای تخفیف مجازات شود. چنانچه هیچ دلیلی علیه نوجوان وجود نداشته باشد و امکان صدور حکم تبرئه وجود داشته باشد، بهتر است اعتراض شود. اگر حکم مجازات تعلیق نشود، حتماً باید به آن اعتراض شود و به هیچ عنوان نباید تسلیم مجازات شد.

ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری

«در تمام محکومیت های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم علیه می تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی، با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند. این حکم دادگاه قطعی است.»

در مجازات های سنگین، در آخرین مهلت یعنی پایان بیست روز، لایحه تجدید نظر خواهی باید تسلیم شود مگر اینکه متهم زندانی باشد. در این صورت لایحه اعتراض اگر به وسیله وکیل نوشته و تحویل دادگاه نگردد، باید تحویل دفتر زندان شده تا به دادگاه ارسال شود.

توجه داشته باشید محکومیت نوجوانان به هر درجه که باشد، برای آنها سوء پیشینه کیفری محسوب نمی گردد. فلسفه امکان رشد و آموزش نوجوانان، این حق را به آنها داده است که سابقه احتمالی آنها در به اصطلاح سجل کیفری یا سابقه موثر منظور نگردد.



هدفه: محرومیت از تحصیل

محروم نمودن کودکان از تحصیل، به هر عنوان جرم است. مراجع قضایی و آموزشی نمی توانند به عنوان مجازات اصلی یا تکمیلی، آن را اعمال نمایند. در صورتی که هرکسی در هر سمتی مانع از تحصیل نوجوان شود، باید از او به مراجع قضایی یا انتظامی شکایت کرد. حتی در ایام نگهداری در کانون های اصلاح و تربیت، باید امکان ادامه تحصیل برای نوجوانان فراهم باشد.

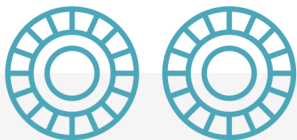
ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

«هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، چنانچه بر خلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۳۰ / ۴ / ۱۳۵۳ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یاد شده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند.»

تبصره- هرگاه محکوم علیه پس از ابلاغ حکم قطعی، از انجام تکلیف مقرر در مهلت تعیین شده از طرف دادگاه خودداری کند یا پس از اجرای حکم، دوباره طفل و نوجوان را از تحصیل باز دارد، به جزای نقدی درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می شود.»

در صورتی که هرکسی در هر سمتی مانع از تحصیل نوجوان شود، باید از او به مراجع قضایی یا انتظامی شکایت کرد.





هجده: شکنجه های روانی

هر نوع شکنجه روانی و جسمی و تهدید و آزار ممنوع و جرم است. مأمورین معمولاً شکنجه و آزار را در خفا انجام می دهند و ترس دارند که در آینده از آنها شکایت شود. آزارهایی که نوجوانان هنگام دستگیری متحمل می شوند، همیشه جسمانی نیست. نوجوان ممکن است تحت شکنجه های روحی قرار بگیرد بی آنکه متوجه آن شود. به عنوان مثال، پس از نگه داشتن او در انتظاری طولانی، به او به دروغ می گویند «در این مدتی که دستگیر شده ای، خانواده ات نمی دانند کجا هستی. آنها گمان می کنند که در تظاهرات کشته شده ای و در بدر دنبال جنازه ات می گردند. تنها در صورتی که نام همه دوستان، نشانی آنها و عملیاتی را که انجام داده اید را بگویی، خواهی توانست با آنها تماس تلفنی داشته باشی وگرنه مراسم ختم تورا هم هفته آینده، برگزار می کنند.» سپس قسمتی از صدای گریه ها و التماس بستگان نوجوان را به صورت ساختگی پخش میکنند.

نوجوانان اطمینان داشته باشند که همه اینها دروغ است و برای وادار نوجوان به حرف زدن علیه خود استفاده می شود و در حد امکان نباید به آن توجهی کرد. مثال دیگر اینکه به نوجوان به دروغ گفته می شود «بازداشت تو باعث شده مادرت سخته کند و در بیمارستان بستری شده است. بهتر است هرچه زودتر زبان به گفتن آنچه ما می خواهیم باز کنی وگرنه فشار عصبی، مادرت را خواهد کشت». همچنین از اطلاعاتی که در روند بازجویی، نوجوان نادانسته در اختیار آنها گذاشته است، حساسیتهای عاطفی او را کشف کرده و بر آنها تأکید می کنند. ممکن است بوسیله تلفن همراه یا لپ تاپ نوجوان، دوستان و آشنایان او را پیدا کرده و نسبت های ناروا به او بدهند یا به آزار جنسی کلامی متوسل شوند.

یکی از رذیلانه ترین شکنجه های روانی اجرای مراسم ساختگی اعدام است. پس از مواجهه با عدم همکاری نوجوان در بازجویی، بازجوی خوب و بازجوی بد با یکدیگر یک بحث نمایشی راه می اندازند، تصمیم به اعدام او می گیرند و همه تشریفات را بجا می آورند و تنها در آن لحظه که اراده نوجوان را درهم شکسته می بینند، به عنوان پاداش، مراسم را متوقف می کنند. یا اینکه از همکاری او مأیوس می شوند و مراسم را با یک فریب دیگر پایان می دهند.

از جمله ترفندهای دیگری که ممکن است نوجوان هنگام بازجویی با آن مواجه شود این است که به او می گویند که رفقایش همه چیز را درباره او گفته اند. آنان برش های تقطیع شده از صدای دوستانش را پخش می کنند یا سایه ای را از دور نشان می دهند و می گویند رفیقش است که بازداشت شده و همه چیز را درباره مشارکت او در ارتکاب جرایم سنگین و خشن افشا کرده است. در صورت مواجه شدن با هر یک از اینها نوجوانان باید به محض ملاقات با خانواده خود، آنها را مطلع کنند و بخواهند که شکایت نمایند. به محض دیدن قاضی حتماً اعلام کنند که چه شکنجه هایی شده اند و بنویسند که شکنجه شده اند. همچنین، به محض رهایی از زندان به روانشناس، روانپزشک و مراکزی که اطمینان دارند برای کمک بروند و سپس از مأموران شکایت نمایند.

نورده: رهنمودهایی برای اقدام در زمان رأی بر محکومیت نوجوانان

نوجوانان نباید تحت هیچ شرایطی حق خود بر تجدید نظر خواهی از دادنامه ای که علیه آنها صادر شده را اسقاط کنند و تسلیم به رأی صادره شوند. تأکید می شود هرگز ننویسند «اعتراضی ندارم». برای تمامی اتهامات علیه نوجوانان حضور وکیل الزامی است. اگر نوجوان و یا خانواده اش نمی تواند وکیل معرفی کنند، دادگاه باید برای او وکیل تسخیری معرفی کند. وکیل تسخیری باید از او به خوبی دفاع کند. اگر نوجوان متوجه شود وکیل تسخیری به گفته های او توجه نکرده یا بر خلاف مصلحت او حرفی زده، باید حتما در صورت جلسه بنویسد.

محکومیت نوجوانان به حبس، شلاق یا حتی اعدام بعد از طی یک فرایند نسبتاً طولانی دادرسی، قطعی و لازم الاجرا می شود. هرگاه ضابط قضایی، بازجو، دادیار، بازپرس و حتی قاضی دادگاه بدوی، از صدور یک حکم شدید معین و قطعی خبردهد، باید دانست که هدف ارباب نوجوان است چون آنها نمی دانند که در دادگاه بعدی چه خواهد گذشت.

رأی بر محکومیت، در دادگاه های کیفری صادر می شود، در دادگاههای تجدید نظر دیوان عالی کشور قابل اعتراض است و قبل از پایان مدت اعتراض یا رسیدگی در این محاکم قابل اجرا نیست. طبق ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، محکومیت نوجوانان به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بیش از ۵ سال، اعدام، حبس ابد، تبعید و مجازات شلاق ممنوع است.

دادنامه صادره از سوی دادگاه باید به وکیل و والدین نوجوان ابلاغ شود. مدت اعتراض بیست روز پس از ابلاغ دادنامه است و وکیل نمی تواند از تجدید نظر خواهی امتناع کند. حتماً باید مراقب موعد تجدید نظر خواهی بود. اگر دادگاه برای نوجوان، وکیل معرفی کرده است، به همراه او از ثبت لایحه تجدید نظرخواهی اطمینان حاصل شود.



بیست: شیوه دفاع در اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام

بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی برگزاری تظاهرات و اعتراضات مسالمت آمیز قانونی و مجاز است. اظهار نظر درباره امور کشور و بیان عقیده نیز طبق اصل ۲۳ قانون اساسی مجاز می باشد. هیچ کس را به صرف عقیده و بیان آن یا به صرف مخالفت با تمام حکومت یا بخشی از آن نمی توان مجرم شناخت. اداره کشور طبق اصل ۶ قانون اساسی باید با اتکا به آراء عمومی باشد. اجتماع و تجمع مسالمت آمیز بیان نوعی رأی عمومی محسوب می شود همان طور که حکومت تظاهرات روز قدس و ۲۲ بهمن را با همین نیت و تعبیر برگزار می نماید. موارد گفته شده را بخاطر داشته باشید و در کنار دانش سیاسی بکار ببرید. این اطلاعات تا حدی امکان دفاع به نوجوانان را می دهد و آنها را مطلع و قوی می سازد.

از آنجا که نمی توان به امکان حضور وکیل در محاکمات سیاسی امیدوار بود، نوجوانان باید به گونه ای از خود دفاع کنند که قاضی نتواند به آسانی آنها را محکوم کند یا در مراحل بعدی رسیدگی، قضات بتوانند دلیلی برای نقض رأی پیدا کنند.

رکن قانونی این جرم، ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات است: **«هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام، به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»** در این جرم باید اقدام تبلیغی بر علیه ارکان نظام یا به نفع دشمنان آن صورت گرفته باشد.

پس انتقاد علیه برخی بخشهای نظام، جرم محسوب نمی شود. اقداماتی مشمول این جرم می شوند که به صورت مستمر و مکرر انجام شده و تحت عنوان «فعالیت» قرار گیرند. انتشار یک یا چند توییت یا پست که تداوم و استمرار نداشته، فعالیت تبلیغی محسوب نمی شود. دفاع نوجوانان باید مبتنی بر این باشد که اساساً قصد ضربه زدن به نظام نداشته اند و هدفشان طرح انتقاد به قصد اصلاح امور بوده است.



بیست و یک: جرم بغی (شورش علیه حکومت)

در ابتدا خاطر نشان می‌کنیم که واژگانی که از عربی به فارسی ترجمه شده یا عیناً وارد شده، از فقه یا متون اسلامی مربوط به گروه‌های بنیادگرا گرفته شده‌اند. مهمترین دفاع این است که «کدام حکومت اسلامی به مفهوم اساسی آن محسوب میشود تا هرکس منتقد آن شد یا دعوت به تظاهرات یا حتی شورش علیه آن کرد مصداق بغی باشد؟!» نه جمهوری اسلامی مصداق حکومت اسلامی است، نه مردم و جامعه ایران، یک جامعه یک دست با عقاید یکسان اسلامی هستند. معمولاً بازجوها بیسواد هستند و اندکی آگاهی شما از این مسائل، آنها را کودن نشان می‌دهد و شما امکان تسلط بر آنها را تا حدی بدست می‌آورید.

این روزها برخی از هموطنان ما با جرمی تحت عنوان «بغی» مواجه هستند. بغی به معنی شورش علیه حاکم اسلامی است و در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است. «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، یاغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.» به خاطر داشته باشید برای تحقق جرم بغی، باید گروه تشکیل شود.

بر اساس تبصره ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی گروه مجرمانه ، گروه نسبتاً منسجمی است که با سه نفر یا بیشتر برای ارتکاب جرم تشکیل شده باشد. گروه معمولاً تشکیلات، سازماندهی، اساسنامه و مرامنامه دارد و اگر به طور اتفاقی چند نفر در خیابان جمع شدند و اقدام مشترکی انجام دادند، فعالیت گروهی محسوب نمی‌شود.

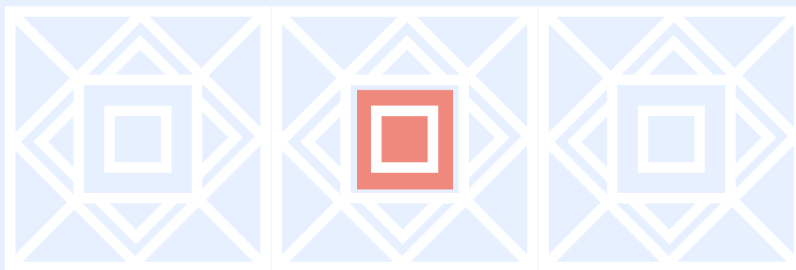


تفاوت جرم بغی با جرم محاربه

هیچ یک از این دو عنوان مجرمانه که نامفهوم هستند، امکان انتساب به نوجوانان را ندارند. چون لازمه این جرایم سازمان دهی و داشتن سلاح، گروه و تشکیلات است که معمولاً برای نوجوانان صدق نمی کند.

بر اساس ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی «محاربه جرمی است عمومی، که در آن شخص مجرم با برکشیدن سلاح، جان، مال یا ناموس مردم را هدف قرار داده و موجب ارباب و ایجاد هراس و سلب امنیت از مردم می شود.» اما در بغی موضوع عمل مجرمانه، نظام اسلامی حاکم است نه مردم.

جرم بغی در صورتی محقق می شود که گروهی مسلمان با سلاح به قصد براندازی نظام، علیه حاکم اسلامی شورش کنند. تفاوت دیگر اینکه در جرم محاربه، یک شخص عملیات مجرمانه را انجام می دهد، اما برای تحقق «بغی» باید یک گروه به قصد براندازی مسلحانه تشکیل شود.



پایان

آنچه در این کتابچه به نوجوانان، خانواده های آنان، مسئولین مدارس و آموزشگاهها، فعالان جامعه مدنی، کلینیکهای حقوق کودک، وکلا و دست اندرکاران شغل قضا تقدیم شد، تلاشی است تا بتوان در پرتو آگاهی از روندهای قضایی، با اعتماد به نفس و توان ذهنی و روحی بیشتری در عرصه کنشگری اجتماعی حضور یافته و از ظرفیت های قانونی بین المللی و داخلی برای ارتقای جنبش و امنیت خود بهره ببریم.

آگاهی از این قوانین ومقررات، باعث می شود که با دست و پا وچشم بسته هم در بازداشتگاهها و زندانها راه درست را پیدا کرد.

تهیه شده در کلینیک حقوقی - اجتماعی
با همکاری وکلا پایه یک دادگستری



کلینیک حقوقی و اجتماعی
LEGAL & SOCIAL CLINIC